

گزارشی از اکسیون اعتراضی در مقابل مقر اجلاس سازمان جهانی کار، ۵ ژوئن ۲۰۲۶

امسال نیز همزمان با برگزاری اجلاس سازمان جهانی کار در ژنو، در تاریخ ۵ ژوئن، اکسیونی اعتراضی با هماهنگی "کمیته سراسری برگزاری اکسیون ژنو" و با حضور دهها نفر از فعالین سیاسی و کارگری و نیز نمایندگان برخی از اتحادیه‌های کارگری، در مقابل مقر این اجلاس انجام شد. سرود انترناسیونال آغازگر این برنامه بود. پس از آن پیام صوتی علی‌نجاتی، فعال جنبش بازنشستگی در ایران، از بلندگو پخش شد. همچنین خلاصه‌ای از پیام‌های

در صفحه ۳



اعتراضات سراسری دانش‌آموزان، انعکاسی از روحیه انقلابی مردم ایران

در شرایطی که رژیم استبدادی جمهوری اسلامی با تشدید سرکوب و کشتار بی‌رحمانه مردم ایران در تلاش است با ایجاد جو رعب و وحشت، مانع از شکل‌گیری امواج نوینی از مبارزات و جنبش‌های اعتراضی علنی توده‌های مردم ایران گردد، از نیمه نخست خردادماه، موج گسترده‌ای از اعتراضات دانش‌آموزی، مناطق وسیعی از کشور را فراگرفت.

این اعتراضات که از استان‌های لرستان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد با تجمعات در مقابل ساختمان‌های آموزش‌وپرورش و سردادن شعار آغاز گردید، تا ۱۲ خرداد به سراسر ایران گسترش یافت و به بسیاری از دیگر استان‌ها از جمله خراسان جنوبی، خراسان شمالی، همدان، تهران، اصفهان و یزد ... بسط یافت و به یک جنبش سراسری تبدیل گردید.

در این اعتراضات، دانش‌آموزان پایه‌های یازدهم و دوازدهم، گاه همراه با خانواده‌های خود حضور یافتند. آن‌ها به اجرای مصوبه "شورای عالی انقلاب فرهنگی" رژیم در مورد تأثیر سوابق تحصیلی در کنکور، در شرایطی که آموزش‌های غیرحضوری چند ماه گذشته با کیفیتی نازل و قطعی‌های مکرر اینترنت ارائه‌شده بود و جنگ، امکان مطالعه و آمادگی دانش‌آموزان را با اختلال مواجه کرده بود، معترض بودند.

در صفحه ۲

نقش جمهوری اسلامی در افزایش بهای نان

در صفحه ۴

جنگ و مذاکره؛ دو روی یک بن‌بست واحد

در حالی که طی هفته‌های گذشته حملات پهبادی و موشکی، عملیات متقابل در خلیج فارس و تنش در مسیرهای کشتیرانی ادامه یافته، مذاکرات غیرمستقیم میان جمهوری اسلامی و آمریکا نیز متوقف نشده است. این هم‌زمانی در نگاه نخست متناقض به نظر می‌رسد: اگر درگیری نظامی ادامه دارد، چرا مذاکره جریان دارد؟ و اگر مذاکره جریان دارد، چرا حملات متوقف نمی‌شود؟

پاسخ را باید در ماهیت وضعیت کنونی جستجو کرد. پس از ماه‌ها درگیری، نه آمریکا و متحدانش به اهداف خود دست یافته‌اند و نه جمهوری اسلامی توانسته است طرف مقابل را وادار به عقب‌نشینی کند. جنگ متوقف نشده، اما هیچ‌یک از طرفین نیز به پیروزی نرسیده‌اند. در نتیجه، تلاش برای مهار بحران هم‌زمان با تداوم رویارویی نظامی جریان دارد.

در صفحه ۱۰

گزارشی از برگزاری اکسیون سراسری در مقابل جلسه سازمان جهانی کار در ژنو

در صفحه ۳

پیام کمیته‌ی خارج کشور حزب کمونیست ایران درباره‌ی درگذشت رفیق "فریدون اختیاری"

در صفحه ۷

فریاد توده‌های مردم در آلبانی: کشور برای فروش نیست!

اعتراضات وسیع و توده‌ای در آلبانی با خواست محوری برکناری نخست‌وزیر این کشور وارد دومین هفته خود شد. دهها هزار تن طی روزهای گذشته در تیرانا، پایتخت آلبانی، دست به تظاهرات‌های روزانه زده‌اند و در اعتراض به آنچه «به فروش گذاشتن آلبانی» نام گرفته، به خیابان‌ها آمده‌اند. این اعتراضات به کشورهای

در صفحه ۹

پتروشیمی در مسیر بازگشت تاریخی

با اعتراضات و تجمعات اخیر گروه‌هایی از کارگران پتروشیمی در شرایط نه جنگ و نه صلح، چراغ مبارزه در صنعت پتروشیمی عملاً روشن شده است. صنعت پتروشیمی با سابقه درخشان مبارزاتی، آرام آرام در مسیری قدم می‌گذارد که پیش از این، در جایگاه بهترین رهنورد، آن را پیموده است.

در صفحه ۶

اعتراضات سراسری دانش‌آموزان، انعکاسی از روحیه انقلابی مردم ایران

خواست دانش‌آموزان این است که برای کنکور امسال، تأثیر سوابق تحصیلی به‌صورت مثبت محاسبه شود و تأثیر قطعی نداشته باشد. خبرگزاری ایسنا در گزارش خود از تجمع دانش‌آموزان در تهران، معترضان را به دو گروه تقسیم کرد.

دسته اول به شرایط جنگ و آموزش‌های مجازی مدارس اشاره داشتند که درس خواندن را برایشان سخت کرده و خواهان جایگزینی تأثیر «مثبت» سوابق تحصیلی این پایه به‌جای تأثیر «قطعی» در سال جاری بودند. آن‌ها خواستار بازنگری در نحوه تأثیر سوابق تحصیلی در کنکور شدند. به گفته دانش‌آموزان، شرایط ناشی از جنگ و بلاتکلیفی در زمان برگزاری آزمون‌ها، امکان برنامه‌ریزی و آمادگی مناسب برای امتحانات نهایی و کنکور را از آن‌ها گرفته است.

دسته دوم نیز دانش‌آموزان فارغ‌التحصیلی هستند که پایه یازدهم را ایجاد سابقه نکرده‌اند و می‌گویند در اوضاع جنگی نتوانسته‌اند درس بخوانند. لذا خواهان معافیت خود از ایجاد این سابقه برای امسال هستند.

در جریان این تجمع‌ها، دانش‌آموزان شعارهایی از جمله: «دانش‌آموز بیداره، از تبعیض بیزاره»، «دانش‌آموز می‌میرد، نلت نمی‌پذیرد»، «دانش‌آموز داد بزنی، حقت رو فریاد بزنی»، «تا حق خود نگیریم، از پا نمی‌نشینیم»، سردادند.

در تهران روز ۱۲ خرداد دانش‌آموزان مقابل وزارت آموزش و پرورش و «شورای عالی انقلاب فرهنگی» تجمع کردند و شعار سر دادند، اما همچون برخی شهرهای دیگر با نیروی سرکوب پلیس مواجه شدند. وزارت آموزش و پرورش پاسخ دانش‌آموزان را به «شورای عالی انقلاب فرهنگی» احاله داد و یک عضو «شورای عالی انقلاب فرهنگی» نیز، به خبرگزاری مهر گفت تعبیری در مصوبه تأثیر سوابق تحصیلی ایجاد نخواهد شد. اما مبارزات دانش‌آموزان متوقف نشد. روز شنبه ۱۶ خرداد ۱۴۰۵، دانش‌آموزان در شهرهای مختلف کشور از جمله تهران، شیراز، مشهد، همدان، کرمانشاه و استان مرکزی در اعتراضی گسترده مقابل ساختمان‌های اداره کل آموزش و پرورش و در تهران مقابل ساختمان «وزارت آموزش و پرورش» و «شورای عالی انقلاب فرهنگی» تجمع‌های اعتراضی برپا کردند. شعارهای «مسئول بی‌لیاقت! استعفا!»، «نترسید، نترسید ما همه با هم هستیم»، به شعارهای پیشین افزوده شد. دانش‌آموزان اعلام کرده‌اند تا رسیدن به خواست‌های خود مبارزه را ادامه خواهند داد. اعتراضات دانش‌آموزان در شرایط سیاسی کنونی جامعه ایران حائز اهمیت جدی است. برای نخستین بار است که دانش‌آموزان برای تحقق مطالبات ویژه خود از طریق جمع‌ات و راهپیمایی‌ها به یک اعتراض سراسری، روی آورده‌اند. دانش‌آموزان در مبارزات توده‌ای مردم ایران در چند سال اخیر علیه جمهوری اسلامی، به‌ویژه در جنبش زن، زندگی، آزادی، همواره حضور چشمگیری داشته‌اند، اما این حضور، تابعی از این جنبش‌ها و مطالبات آن‌ها بوده

است. اکنون اما برای تحقق مطالبات ویژه تحصیلی خود، به یک مبارزه سراسری روی آورده و مستننا از این‌که در این مبارزه، مطالبات آن‌ها تحقق یابد یا نه، تبدیل به سنتی در مبارزات آتی دانش‌آموزان خواهد شد. مهم‌تر این‌که دانش‌آموزانی که با شعار «دانش‌آموز داد بزنی، حقت رو فریاد بزنی»، به خیابان آمده و پلیس رودرروی آن‌ها قرار گرفته است، دیگر دانش‌آموزان یک ماه قبل از آن نیستند، بلکه از هم‌اکنون به دانش‌آموزان مخالف جمهوری اسلامی تبدیل شده‌اند. این مبارزات از جهتی دیگر نیز حائز اهمیت‌اند. معنای سیاسی معینی دارند و روحیه مبارزاتی مردم ایران را در شرایط سیاسی کنونی جامعه ایران بازتاب می‌دهند.

اعتراضات سراسری دانش‌آموزان در شرایطی برپا شده است که جمهوری اسلامی با قتل‌عام مردم ایران در دی‌ماه، استفاده از جنگ برای سرکوب هرگونه اعتراض توده‌ای به بهانه همکاری با دشمن، دستگیری‌های گسترده، اتهامات جعلی و اعدام‌های روزمره، تلاش کرده است با ایجاد جو رعب و وحشت و تشدید دیکتاتوری عریان و عنان‌گسیخته، روحیه انقلابی مردم را درهم شکند، بر سر راه مبارزات مانع ایجاد نماید و بدین طریق با سرنیزه به حکومت ننگین خود ادامه دهد. اعتراضات دانش‌آموزان اما انعکاسی از این واقعیت است که تلاش‌های ارتجاعی و سرکوبگرانه رژیم به شکست انجامیده است. نعتها روحیه انقلابی مردم در هم نشکسته و دچار یاس و ترس نشده، بلکه همچنان مصمم به ادامه مبارزه تا سرنگونی رژیم و رسیدن به اهداف و مطالبات خود هستند. البته همین واقعیت را می‌توان در سطحی دیگر در مبارزات اخیر گروه‌هایی از کارگران و بازنشستگان نیز دید که به‌رغم تهدیدات رژیم بار دیگر به مبارزات علنی روی آورده و آن را ادامه می‌دهند.

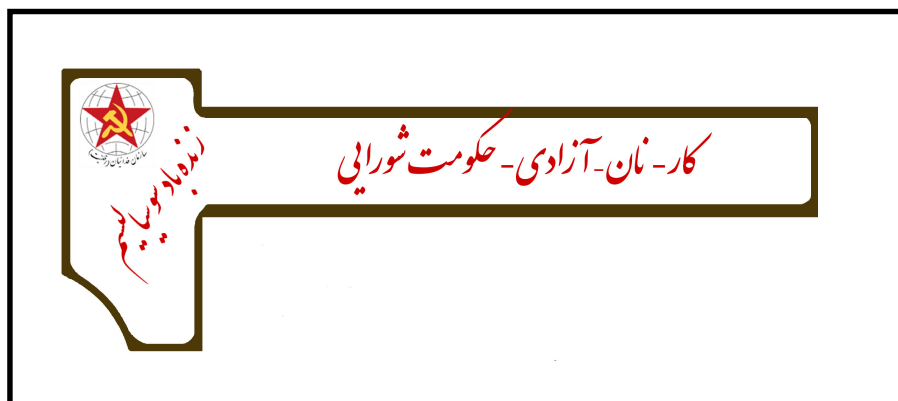
این واقعیات نشان می‌دهد که حتی وحشیانه‌ترین شیوه‌های سرکوب و آدمکشی رژیم قادر نبوده و نیست جامعه‌ای را که برای غلبه بر بحران‌ها نیاز به تغییر و دگرگونی دارد در اسارت خود نگه دارد.

اکنون حدود یک دهه است که جامعه ایران درگیر یک بحران سیاسی ژرف و مبارزه‌ای حاد میان توده‌های مردم ایران با رژیم مستمگر

جمهوری اسلامی است. مردم ایران با مبارزات سیاسی تعرضی خود در اشکال متعدد، تظاهرات، اعتصابات، تجمع‌ها و حتی شورش‌ها و قیام، نشان داده‌اند که دیگر نمی‌خواهند نظم ستمگرانه و ضد انسانی موجود را تحمل کنند و خواستار برافتادن آن هستند. رژیم ارتجاعی و سرکوبگر حاکم نیز گرچه هر بار با توسل به خونین‌ترین روش‌های سرکوب به مقابله با این مبارزات برخاسته، اما هرگز نتوانسته اوضاع را تحت کنترل درآورد، بر تضادها و بحران‌های علاج‌ناپذیر نظم موجود غلبه کند و مانع از اعتلای مجدد مبارزات توده‌های مردم ایران گردد. از این‌روست که در پی هر سرکوب جنبش، جنبشی رادیکال‌تر و گسترده‌تر سر برآورده است.

مادام که جمهوری اسلامی سرنگون نشده، توقفی در این مبارزات نیست و طبقه حاکم روی آرامش به خود نخواهد دید. این واقعیت را تمام تجارب مبارزات توده‌ای به‌ویژه یک دهه اخیر به‌وضوح نشان داده است.

اکنون بحران‌های متعدد جامعه ایران بیش از هر زمان دیگر گسترده‌تر و ژرف‌تر شده‌اند. با ازهم‌گسیختگی کامل اقتصاد در پی جنگ ارتجاعی، وضعیت مادی و معیشتی اکثریت بزرگ جامعه ایران به نحو بی‌سابقه‌ای وخیم‌تر شده است. توده‌های کارگر و زحمتکش زیر فشار تورم افسارگسیخته با فقری بی‌سابقه مواجه‌اند. در نتیجه رشد تضادها، هرلحظه احتمال وقوع انفجارهای سیاسی بزرگ جدید وجود دارد. بنابراین، به‌رغم تمام تلاش‌های ارتجاعی طبقه حاکم، کلیت شرایط موجود جامعه نشان می‌دهد که امواج گسترده‌تری از جنبش‌های توده‌ای در پیش است. بدون یک تغییر که پیش‌شرط آن برافتادن جمهوری اسلامی است، مردم ایران نمی‌توانند از عواقب وخیم بحران‌های کنونی که فشار تمام بار آن بر دوش توده‌های زحمتکش جامعه قرار گرفته، رهایی یابند. ادامه حیات جمهوری اسلامی فقط می‌تواند سیر قهقرائی جامعه را افزایش دهد. راه رهایی کارگران و زحمتکش‌ان و تمام مردم ستمدیده از فجایعی که طبقه ارتجاعی حاکم بر ایران آفریده است، تلاش سازمان‌یافته، برای سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار حکومتی شورائی است که مردم ایران را بر سرنوشت خود حاکم خواهد ساخت.



گزارشی از اکسیون اعتراضی در مقابل مقر اجلاس سازمان جهانی کار، ۵ ژوئن ۲۰۲۶

تشکل‌های مستقل در ایران که بیانیه‌ی مشترکی داده بودند و نیز پیام سندیکای کارگران شرکت واحد به زبان‌های فارسی و انگلیسی خوانده شد. سپس نمایندگان ۷ سندیکای بزرگ در فرانسه که با پرچم‌های خود در صحنه حضور داشتند، اطلاعیه‌ی مشترک خود را به زبان‌های فرانسوی و انگلیسی و نیز نمایندگان از سوئیس و ترکیه پیام‌های همبستگی خود را خواندند. اکسیون با سخنان شیوا عاملی راد، نماینده‌ی بین‌المللی شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، که در نشست کنفرانس بین‌المللی سازمان جهانی کار نیز سخنرانی داشت، ادامه یافت. در ادامه، لیلیا حسین‌زاده سخنرانی خود را انجام داد و سپس نوبت به خواندن اطلاعیه‌های سازمان‌ها و احزاب و تشکل‌های چپ و کمونیست در خارج از کشور و نیز نهادهای کارگری که حمایت خود را از این اکسیون اعلام کرده بودند، رسید. در مجموع، ۱۵ اتحادیه‌ی کارگری از کشورهای فرانسه، سوئیس، سوئد، اسپانیا، ترکیه، ایتالیا و آلمان از این اکسیون حمایت کرده و همبستگی بین‌المللی خود را با کارگران ایران به شکل نامه‌های حمایتی و یا حضور در این برنامه ابراز داشتند. همچنین تعدادی از احزاب، سازمان‌ها و تشکل‌های کارگری ایرانی، از جمله شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست از فراخوان این اکسیون با صدور اطلاعیه و حضور در این اکسیون پشتیبانی خود را اعلام داشتند.

کمیته‌ی هماهنگی اکسیون که از افراد مستقل با گرایش‌ها و تعلقات فکری گوناگون طیف چپ و فعالین کارگری و سیاسی تشکیل شده بود، در شرایطی که در ایران، جنگ همه‌ی فعالیت‌ها را تحت‌الشعاع خود قرار داده بود به فاصله‌ی کوتاهی پیش از اکسیون فعالیت خود را آغاز کرد. در کنار انجام تدارکات برای روز اکسیون، رفقا در این کمیته به تهیه و ارسال فراخوان، نامه به اتحادیه‌ها، قطعنامه و ترجمه‌ی اطلاعیه‌ها از ایران به زبان‌های فارسی و انگلیسی و فرانسوی اقدام کردند.

خواستارها و مطالبات مطرح شده در این قطعنامه را می‌توان به سه دسته خلاصه کرد. دسته‌ی اول شامل "توقف فوری جنگ" بود که به دلیل شرایط جنگی حاکم که از طرف دولت امپریالیستی ترامپ و دولت صهیونیستی اسرائیل از سوی، و حکومت ارتجاعی و استبدادی جمهوری اسلامی به

گزارشی از برگزاری اکسیون سراسری در مقابل جلسه سازمان جهانی کار در ژنو:

برابر فراخوان کمیته سراسری برگزاری اکسیون اعتراضی در ژنو و حمایت کمیته خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت) از این تجمع اعتراضی که در ۵ ژوئن مقابل سازمان جهانی کار برگزار شد، فعالین سازمان شرکت داشتند. در این تجمع چادر سازمان و میز سیاسی در کنار چادر کمیته سراسری برگزاری برافراشته شد. با نصب بنرها و تعدادی از عکس‌های زندانیان سیاسی و فعالین کارگری در زندان‌های رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی در محل میدان و هم چنین پرچم‌های اتحادیه‌های کارگری از جمله cgt از فرانسه، آلمان، اتحادیه سراسری سوئد و ترکیه و چند اتحادیه کارگری از کشورهای دیگر ضمن حمایت از این تجمع اعتراضی پیام‌های خود را در حمایت از کارگران ایران و محکوم کردن حضور نمایندگان مزدور و ضد کارگری رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی در سازمان جهانی کار اعلام داشتند. علاوه بر این پیام سازمان‌ها و احزاب چپ و کمونیست و تشکلات‌های کارگری و پیام علی‌نجات از فعالین کارگری از داخل و از جمله کمیته خارج کشور سازمان خوانده شد. در پیام‌ها ضمن محکومیت جنگ ارتجاعی امپریالیسم آمریکا و رژیم فاشیست اسرائیل و رژیم ارتجاعی و فاشیست جمهوری اسلامی، خواستار آزادی بی‌قید و شرط کارگران زندانی و دیگر زندانیان سیاسی بودند و سیاست‌های سازشکارانه سازمان جهانی کار در قبال دولت‌های سرمایه داری و ضد کارگری را در این حرکت اعتراضی افشا نمودند.

زنده باد همبستگی بین‌المللی کارگران زنده باد انقلاب - زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم کمیته خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت)

در راستای رساندن صدای کارگران در ایران به طبقه‌ی کارگر جهانی و افشای سیاست ضد کارگری حکومت جمهوری اسلامی بخشی از قطعنامه را شامل می‌شد. شعارهایی مانند آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی، لغو فوری اعدام و توقف فوری دستگیری‌ها و شکنجه نیز از خواسته‌های کمیته‌ی برگزاری بود که در تمام تبلیغات بازتاب داشت.

در پایان، برگزارکنندگان و شرکت‌کنندگان در این اکسیون با همخوانی سرود انترناسیونال، بر ادامه‌ی مبارزه تا رسیدن طبقه‌ی کارگر به خواسته‌ها و مطالبات خود، و اهمیت همبستگی بین‌المللی کارگران تأکید کردند.

مردم ایران تحمیل شده، و بیشترین هزینه‌ی آن بر دوش کارگران و زحمتکشان است، در صدر شعارهای این اکسیون قرار داشت. همچنین مانند سال‌های گذشته، اعتراض به حضور نمایندگان حکومت سرکوبگر و حامی نظم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی در سازمان جهانی کار، از خواسته‌های برگزارکنندگان این اکسیون بود که با جلب حمایت اتحادیه‌های کارگری حاضر در این اجلاس، خواهان افشاکاری رژیم و روشنگری در بین فعالین اتحادیه‌های کارگری جهانی شدند.

طرح مطالبات فوری کارگران در ایران که به دلیل تعداد زیاد آنان، تنها از برخی از این مطالبات در قطعنامه ذکر شده بود، نیز

زنده باد سوسیالیسم

نقش جمهوری اسلامی در افزایش بهای نان

مصوبه "کار گروه" استانداری تهران آزادیز شدند.

این طرح اگرچه برای نانوایان و مردم ایران نتایج بدی به همراه داشت، اما برای دولت خوب بود. به گفته رسول نظامی مدیر اجرایی طرح "هوشمندسازی پارانه آرد و نان" (اردیبهشت ۱۴۰۴) در طی ۳۶ ماه از اجرای طرح، ۵ میلیون و ۱۲۰ هزار تن آرد یا به عبارتی دیگر ۹۶ هزار میلیارد تومان، دولت با اجرای این طرح در پرداخت پارانایان "صرفه‌جویی" کرد. اختصاص پارانایان کمتر آن هم با توجه به گسترش فقر که نیاز به نان پارانایان را افزایش داده، تنها بیانگر یک چیز است و آن کمبود نان پارانایان و مجبور شدن مردم به خرید نان آزادیز یا فانتزی. در ماه‌های اخیر اما اوضاع به شدت نسبت به قبل از جنگ وخیمتر شده است. صف‌های طولانی، کمبود آرد در نانوائی‌های پارانایان به‌ویژه در استان‌هایی مانند سیستان و بلوچستان باعث گردید تا دسترسی مردم به نان پارانایان محدود شود. بنابراین نام این طرح از نظر مردم نه "هوشمندسازی پارانایان آرد و نان" که "آزادسازی چراغ خاموش بهای نان" است.

آیا فقط نان است؟

این سیاست جمهوری اسلامی تنها شامل آرد و نان نیست. تمامی کالاهای ضروری و حیاتی را شامل می‌گردد. از حذف ارز ترجیحی کالاهای اساسی و غیره تا حذف و یا کاهش پارانایان. یک نمونه روشن آن که امروز مردم ایران شدیداً گرفتار آن شده‌اند افزایش وحشتناک بهای دارو و خدمات درمانی است. روزنامه اعتماد در روزهای گذشته از افزایش ۳۰ تا ۳۰۰ درصدی قیمت دارو از قبل از جنگ تا امروز خبر داد. در این گزارش به نقل از یک بیمار سرطانی آمده "دارویی که قبل از جنگ یک میلیون تومان بود در صفحه ۵

درصد نانوائی‌ها، تبدیل به نانوائی‌های آزادیز شوند تا از این طریق میزان آرد پارانایان کاهش یابد. این طرح اما به دلیل تورم و واکنش‌های اجتماعی با سرعتی که کابینه در نظر داشت، پیش نرفت. یک سال بعد قائم‌مقام وزارت "صمت" از تبدیل شدن ۹ درصد نانوائی‌ها به آزادیز خبر داد. این طرح البته قرار نبود در محدوده ۲۰ درصد باقی بماند و هدف کابینه آزادیز کردن تمام نانوائی‌ها بود که زمینه برای اجرای آن فراهم نشد.

سال ۱۴۰۱ طرح جدیدی اما با همان هدف تحت‌عنوان هوشمندسازی و با راه‌اندازی سامانه "نانینو" در دستور کار قرار گرفت تا پوششی برای هدف واقعی رژیم یعنی کاهش پارانایان فراهم سازد. با اجرای این طرح نانوائی‌های سنتی با مشکلات عدیده‌ای روبرو گردیدند که منجر به کاهش سهمیه آرد با ابزارها و بهانه‌های مختلف شد. در یکی از گزارشات خبرگزاری دولتی "مهر" آمده است که "نانوائیان از کاهش کمک‌هزینه پارانایان از ۴۰ درصد به ۱۰ درصد و کاهش سهمیه آرد از ۱۰۰ کیسه به ۴۰ کیسه گلایه دارند". البته منظور این خبرگزاری از گلایه، اعتراضات متعدد نانوائیان در شهرهای مختلف ایران بود. یکی از نتایج طرح این بود که بر تعداد نانوائی‌های آزادیز افزوده شد، ضمن این‌که صدور مجوز تأسیس نانوائی پارانایان نیز در عمل متوقف گردید.

به گفته‌ی رئیس "کار گروه آرد و نان" در فروردین ۹۵ تعداد نانوائی‌های آزادیز و فانتزی (حجیم) به ۲۷ تا ۳۰ هزار در برابر ۹۳ هزار نانوائی پارانایان رسید. به عبارت دیگر از ۹ درصد در سال ۹۴ به ۲۵ درصد کل نانوائی‌ها رسید. برای نمونه کل نانوائی‌های سنتی بربری و سنگک در مناطق ۱، ۲ و ۳ تهران براساس

نان بار دیگر گران شده، آن هم در شرایطی که با افزایش بی‌سابقه‌ی تورم، بیکاری و رکود، تأمین ضروری‌ترین نیازهای انسانی برای بخش بزرگی از مردم ایران غیرممکن شده است. گرچه جمهوری اسلامی سعی می‌کند با وارونه نشان دادن واقعیات، علت گران شدن نان را به افزایش هزینه‌های نانوائی‌ها و قاچاق آرد مربوط سازد، اما آشکار است که سیاست‌های ویرانگر جمهوری اسلامی در زمینه‌ی اقتصاد، علت اصلی گرانی‌ها از جمله گران شدن دو برابری بهای نان در طول کمتر از یک سال می‌باشد.

به گفته‌ی سلیمان علیجان زاده مدیرکل "صمت" استان مازندران "نرخ جدید نان بربری ۶۵۰۰، نان تافتون ۲۶۰۰، نان لواش ۱۷۰۰، نان سنگک ماشینی ۷۵۰۰، نان سنگک سنتی ۹ هزار و نان محلی ۸۵۰۰ تومان تعیین شده است". وی گفت: "نرخ نان آزادیز با وزن ۵۰۰ گرم ۲۳ هزار تومان اعلام شده است".

"افتاب نیوز" به نقل از عبدالعلی کریمی، دبیر اجرایی "خانه کارگر" قزوین، می‌نویسد: "قیمت نان لواش پارانایان از هزار تومان به ۱۹۰۰ تومان افزایش یافته، سنگک از ۴۵۰۰ تومان به ۸۵۰۰ تومان رسیده و بربری نیز ۶۷۰ تومان قیمت‌گذاری شده است. به طور کلی می‌توان گفت قیمت نان در برخی موارد نزدیک به ۱۰۰ درصد رشد داشته است. این افزایش در استان قزوین از امروز اعمال شده و طبق گفته‌ها، در سایر استان‌ها نیز در حال اجراست".

در بودجه سال ۱۴۰۵ بهای انواع آرد افزایش یافت. برای نمونه بهای آرد برای مصارف صنعتی و نان‌های فانتزی (حجیم و نیمه حجیم)، ۴۶٪ درصد افزایش پیدا کرد. اما براساس اخبار منتشره اخیراً بهای آرد نانوائی‌های آزاد پز با ۸۰ درصد افزایش از کیلویی ۱۲ هزار تومان به ۲۱۷۰۰ تومان افزایش یافته است. بنابراین محتمل است که بهای انواع آرد از جمله برای مصارف صنعتی بیشتر از آنچه در بودجه در نظر گرفته شده، افزایش یابد.

تلاش رژیم برای حذف و کاهش پارانایان

جمهوری اسلامی به دلیل هزینه‌های نظامی، فساد، بوروکراسی، نهادهای مفتخور مذهبی و غیره همواره با کسری بودجه روبرو بوده است. برای کاهش کسری بودجه که هم اکنون به یک بحران بزرگ مالی برای رژیم تبدیل شده است، سیاست رژیم همواره بر این اصل استوار بوده که بار آن بر دوش کارگران و دیگر زحمتکشان جامعه آوار سازد. یکی از این راه‌ها کاهش (و اگر ممکن باشد حذف کامل) پارانایان کالاهایست که همواره مشمول پارانایان بوده‌اند و یکی از آن‌ها نان است.

کلید این کار را احمدی‌نژاد با طرح موسوم به "هوشمندسازی پارانایان" زد و به طور مشخص ۵ هزار تومان بابت افزایش بهای نان، پارانایان نقدی در نظر گرفت که با تورم سرسام‌آور سال‌های بعد ارزش خود را کاملاً از دست داد. در ادامه در سال ۹۳ کابینه روحانی تصمیم گرفت ۲۰



کار - نان - آزادی **حکومت شورائی**

رژیم جمهوری اسلامی

را باید با یک اعتصاب عمومی

سیاسی و قیام مسلحانه بر انداخت.

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

نقش جمهوری اسلامی در افزایش بهای نان

الان ۳۰ میلیون تومان شده است". قیمت‌گذاری گاز، برق و آب نیز شامل همین سیاست هستند. در این میان افزایش بهای بنزین ماجرای پیچیدمتری دارد.

به‌گفته‌ی معاونی مدیرعامل "شرکت گاز استان تهران" براساس مصوبه جدید از ابتدای اردیبهشت‌ماه تعرفه‌ها حدود ۸۲ درصد افزایش یافتند. روزنامه دنیای اقتصاد از افزایش تعرفه برق صنایع بین ۴۰ تا ۶۰ درصد خبر داد. احمدی نماینده مجلس اسلامی از میاندوآب گفت: "امروز شاهد رشد قابل توجه قیمت‌ها در بخش‌هایی مانند آب، برق، گاز و برخی خدمات عمومی هستیم؛ به‌گونه‌ای که حتی هزینه برخی اقلام مانند کنتور و تجهیزات مرتبط، چندین برابر افزایش یافته است". لازم به تاکید است که هرگونه افزایش هزینه تولید کالا (از جمله هزینه گاز و برق) به طور مستقیم در افزایش بهای کالا و سفره مردم خود را نشان می‌دهد.

افزایش بهای گاز، برق و آب به بهانه‌ی کنترل مصرف در حالی‌ست که علت اصلی کمبود جمهوری اسلامی است که به جای هزینه در امور زیربنایی، تمام درآمدهای نفتی و غیره را صرف گسترش دستگاه سرکوب، نظامی، دینی و بوروکراسی دولتی کرده، دستگاهی که غرق در فساد نیز است. برای مثال به‌گفته‌ی مدیرعامل شرکت مهندسی آب و فاضلاب ۱۲ درصد آب در شبکه فرسوده انتقال و توزیع هدر می‌رود، اما پولی برای نوسازی آن وجود ندارد. به‌گفته‌ی وی کاهش تنها یک درصد از هدر رفت آب در شبکه ۲۱ همت نیاز دارد.

شتاب‌گیری بی‌سابقه‌ی بحران اقتصادی رکود - تورمی

در روزهای گذشته "مرکز آمار" جمهوری اسلامی گزارشی از میزان تورم اردیبهشت‌ماه سال‌جاری منتشر کرد که بیانگر افزایش شتابان نرخ تورم حتی در آمارهای رسمی است. براساس این گزارش نرخ تورم سالانه با ۴ درصد افزایش نسبت به ماه قبل به ۵۷/۷ درصد رسید. نرخ تورم نقطه به نقطه (میزان افزایش بهای یک سبد مشخص از کالا نسبت به اردیبهشت ۱۴۰۴) به رقم بی‌سابقه‌ی ۸۳/۹ درصد رسید. یک نکته مهم دیگر نیز تورم ماهانه است که در این گزارش ۸/۸ درصد اعلام شد. تورم ماهانه فروردین نیز ۵ درصد اعلام شده بود. با این سرعت افزایش ماهانه تورم، بزودی تورم نقطه به نقطه در آمارهای رسمی سه رقمی خواهد شد. هر چند که در برخی از محاسبات هم اکنون نرخ تورم در ایران نه ۵۷/۷ درصد بلکه بالای ۱۰۰ درصد است.

استیو هانکه، اقتصاددان، براساس مدلی که طراحی کرده است، نرخ تورم را عمدتاً از روی نرخ ارز بازار آزاد محاسبه می‌کند (تورم کشور = تورم آمریکا + نرخ افت ارزش پول ملی در برابر دلار آزاد). بر اساس این مدل، هانکه نرخ تورم سالانه ایران در اردیبهشت را ۱۱۷ درصد

اعلام کرد. لازم به یادآوری‌ست که نرخ برابری دلار در بازار آزاد در اردیبهشت سال گذشته ۸۳ هزار تومان بود.

صندوق بین‌المللی پول نیز تورم سالانه ایران در اردیبهشت را ۶۸/۹ درصد اعلام کرده است. گزارشات صندوق بین‌المللی پول از نرخ تورم عمدتاً به گزارشات سازمان‌های دولتی متکی است و از این رو با محدودیت‌هایی روبروست. در محاسبه هانکه، ایران بعد از ونزویلا و کرشمالی بالاترین نرخ تورم را در جهان دارد. براساس محاسبه صندوق بین‌المللی پول نیز ایران بعد از ونزویلا و سودان قرار دارد.

وضعیت فاجعه‌بار تورم در ایران وقتی در سایه آمار روشن‌تر می‌شود که بدانیم براساس محاسبات صندوق بین‌المللی پول، نرخ متوسط تورم در جهان ۴/۴ درصد، و برای آمریکا ۲/۳، اتحادیه اروپا ۲/۸ و برای چین ۱/۲ درصد است.

گرچه به طور معمول در اقتصادی که دچار رکود است نرخ تورم بسیار پایین و حتی منفی می‌شود، در ایران اما نرخ شتابان رشد تورم همراه با تشدید رکود است. دهه‌هاست که اقتصاد ایران با بحران اقتصادی رکود - تورمی درگیر است. به‌رغم گذشت بیش از ۵ دهه، نه تنها اقتصاد از بحران رکود - تورمی خارج نشده، بلکه بر شدت آن نیز به ویژه در سال‌های اخیر افزوده گردید. جنگ ۴۰ روزه اخیر و تشدید منازعات جمهوری اسلامی با دولت آمریکا نیز به این وضعیت به شدت دامن زده است.

براساس محاسبات صندوق بین‌المللی پول رشد اقتصادی ایران در سال ۲۰۲۶ به منفی ۶/۱ درصد خواهد رسید. همچنین Chatham House (یک اندیشکده پژوهشی مستقر در لندن) نرخ رشد اقتصادی ایران را حداقل منفی ۱۰ درصد ارزیابی کرده است.

اقتصاد ایران با معضلات بسیار پیچیده‌ای روبروست. اولین موضوع نقش نفت و محصولات جانبی از جمله پتروشیمی‌ها در اقتصاد ایران است که با توجه به محاصره دریایی و آسیب‌های ناشی از جنگ صدمات بزرگی دیده است. از سوی دیگر محاصره دریایی بسیاری از صنایع را با معضل تأمین مواد اولیه و قطعات مورد نیاز روبرو ساخته است، برای نمونه صنعت خودروسازی. براساس آمار رسمی از تولید فروردین ماه سه

شرکت بزرگ خودروسازی ایران، ایران خودرو ۳۳ درصد، سایپا ۶۶ درصد و پارس خودرو ۷۸ درصد کاهش تولید داشته‌اند. اگر این روند ادامه یابد، به تنهایی موجب حدود ۲ درصد کاهش تولید ناخالص ملی می‌شود. به‌ویژه اثرات جانبی بحران صنعت خودروسازی را در بیکاری باید دید. براساس آمارها بین ۵۰۰ تا ۷۰۰ هزار نفر مستقیم و غیرمستقیم کارشان وابسته به این صنعت بوده و حدود ۲۰ درصد ارزش افزوده بخش صنعت مربوط به خودروسازی است. وضعیت صنایع فولاد و پتروشیمی در نتیجه آسیب‌های مستقیم ناشی از بمباران و مشکل صادرات به دلیل محاصره دریایی، حتی از صنعت خودرو وخیمتر است. این دو بخش از صنایع همچنین نقش بزرگتری در تولید ناخالص داخلی دارند و از نظر تعداد شاغلان، به‌ویژه صنعت فولاد، بسیار مهم هستند. براساس برخی گزارشات بین ۲ تا ۵/۲ میلیون شغل به طور مستقیم و غیرمستقیم وابسته به صنعت فولاد می‌باشند. ایران جزو ۱۰ کشور صادرکننده بزرگ فولاد در جهان است. در مورد کشاورزی نیز باید گفت: به طور کلی تعداد شاغلان بخش کشاورزی در طول ۲۰ سال اخیر از ۲۴/۲ درصد به ۱۳/۹ درصد کاهش یافته که یکی از دلایل آن خشکسالی و نبود آب است.

اما بحران در بخش نفت و دیگر صنایع تأثیر مستقیمی در سایر بخش‌ها از جمله خدمات دارد. افزایش بیکاری، افزایش تورم و کاهش قدرت خرید مردم نیز به نوبه‌ی خود در تشدید رکود تأثیرگذار است. یکی دیگر از تأثیرات رکود کاهش میزان دریافتی مالیات (مستقیم و غیرمستقیم) است که به افزایش بیشتر کسری بودجه منجر می‌گردد. هم اکنون بسیاری از کارگاه‌های کوچک و شغل‌های خدماتی از رستوران تا فروش لوازم خانگی و لباس با بحران روبرو هستند و بسیاری ورشکست شده‌اند. در واقع یک زنجیره کاملاً به هم پیوسته است که با فروریزی بخشی، سایر بخش‌ها نیز تأثیر می‌پذیرند و این روند همچنان ادامه دارد.

هیچ چشم‌اندازی نیز برای بهبود وضعیت اقتصادی وجود ندارد. جدا از چشم‌انداز مبهم منازعات جمهوری اسلامی و دولت‌های آمریکا و اسرائیل، حتی یک توافق موقت نیز تأثیری در این وضعیت نخواهد گذاشت. چشم‌انداز واقعی‌تر اما تشدید بحران اقتصادی رکود - تورمی، کسری بودجه بیشتر، کاهش یارانه‌ها و انتقال هزینه بحران بر دوش کارگران و زحمتکشان است. در ایران حل بحران اقتصادی منوط به حل بحران سیاسی یا به عبارتی دیگر سرنوشتی انقلابی جمهوری اسلامی است.

تصحیح

با پوزش از خانواده رفیق فریدون اختیاری در اطلاعیه سازمان به مناسبت درگذشت رفیق فریدون آمده بود: "در سن ۸۱ سالگی در پی یک سکته مغزی از میان ما رفت." که به شرح زیر اصلاح می‌شود: "در سن ۷۹ سالگی در پی یک سکته مغزی از میان ما رفت."

پتروشیمی در مسیر بازگشت تاریخی

روز سه شنبه ۱۲ خرداد کارگران شرکت پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی بندرماهشهر در اعتراض به عدم تحقق مطالبات خود برای دومین روز متوالی مقابل اداره کار سازمان منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی دست به تجمع زدند. این کارگران روز ۳۰ اردیبهشت نیز در اعتراض به کسر حقوق و مزایای خود تجمع مشابهی برپا نموده بودند. انگیزه و علت اصلی تجمع کارگران، اعتراض به اخراج تعدادی از همکاران، حذف برخی از مزایای رفاهی، اضافه کاری، بهره وری و بی توجهی کارفرما به سایر مطالبات کارگران بود. شایان ذکر اینکه ۴۸ تن از کارگران این شرکت بعد از هفته‌ها اعتراض و پیگیری مستمر برای وصول مطالبات خود و طرح شکایت در مراجع قضایی موفق شده بودند بخشی از مطالبات خود را وصول کنند. اما مدیریت شرکت در واکنش به آن و برای انتقام گیری از کارگران ۸ کارگر را اخراج کرد و برای تشدید فشار بر کارگران، دستور کسرماهانه مزایای رفاهی، اضافه کاری، بهروری همگی کارگران را صادر کرد که مورد اعتراض شدید کارگران قرار گرفت. کارفرما در شرایطی به این اقدام متوسل شد که بعد از جلسه شورای تأمین شهرستان ماهشهر درخصوص مشکلات کارگران این شرکت، کارفرما موظف به پرداخت طلب کارگران و بازگشت به کار ۸ کارگر اخراجی شده بود. اما کارفرما از اجرای این مصوبه سر باز زد. کارگران معترض در ادامه مبارزه و در تجمع خود خواهان توقف اخراج‌ها، بازگشت به کار همکاران اخراجی و بازگرداندن و پرداخت مزایا و دیگر مطالبات خود شدند.

در پرونده‌های مرتبط با پتروشیمی چابهار نیز روحیه اعتراضی کارگران به‌ویژه کارگران اخراجی بالاست. فعالیت پروژه پتروشیمی چابهار که در جریان جنگ متوقف شده بود از ابتدای اردیبهشت از سر گرفته شده است. فعالیت مجدد پتروشیمی چابهار با اخراج شمار زیادی از کارگران عمده‌تأسیسات بومی همراه شده است. شرکت پیمان‌کاری "کیمیا صنعت" فعال در این پروژه، دست به اخراج شمار زیادی از کارگران زده بی آنکه حتی طلب‌های معوقه کارگران اخراجی را بپردازد. در پروژه‌های پتروشیمی چابهار به علت با به بهانه جنگ و خرابی‌های ناشی از آن، تا کنون نزدیک به دوهزار کارگر اخراج و از کار بیکار شده‌اند. کارگران پتروشیمی چابهار و کارگران تمام پروژه‌های مرتبط با آن، نسبت به وضع موجود به شدت معترض و خواهان ادامه کاری، بازگشت به کار فوری و احقاق حقوق خویش‌اند.

در پتروشیمی پتروناد نیز اعتراضاتی که از اواخر اردیبهشت ماه آغاز شده تا کنون ادامه یافته است. کارگران پتروشیمی پتروناد ماهشهر، در اعتراض به اخراج ۲۰۰ کارگر این شرکت، اعتراضات چند روزه‌ای را سازمان دادند و با تجمع مقابل فرمانداری، دادسرای عمومی و اداره کار، خواستار بازگشت به کار کارگران اخراجی و دیگر مطالبات خود شدند. در اثر پیگیری مبارزات کارگران، فرمانداری بندر امام طی

نامه‌ای به اداره کار شهرستان، خواستار بازگشت به کار دست کم ۵۰ کارگر اخراجی شد و اداره کار شهرستان نیز این موضوع را به شرکت پتروناد ابلاغ نمود. به‌رغم این، مدیران شرکت مدعی شدند چنین نامه یا دستورالعملی را دریافت نکرده‌اند و کارگران را سرگردان ساخته‌اند. کارگران پتروشیمی پتروناد که اعلام کرده بودند تا بازگشت به‌کار کارگران اخراجی که عمده‌تأسیسات کارگران با سابقه هستند، به اعتراضات خود ادامه خواهند داد، روز ۱۲ خرداد نیز بار دیگر تجمع اعتراضی برپا کردند و خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند.

اعتراضات کارگری فوق در صنعت پتروشیمی، فقط بخش کوچکی از اعتراضات کارگران شاغل در این صنعت است که خبر آن در رسانه‌های رسمی انعکاس یافته است. اما آنچه به‌طور واقعی در این صنعت می‌گذرد به‌ویژه تا آنجا که به تشدید فشار بر کارگران از یک سو و در سوی دیگر به ایستادگی و مقاومت در برابر آن و روحیه اعتراضی حاکم بر کارگران بر می‌گردد، حاکی از آن است که کارگران صنعت پتروشیمی آرام آرام شرایط جنگی را پشت سر می‌گذارند و خود را برای احقاق حقوق و سازماندهی تجمعات و اعتصاب‌های بزرگ‌تر آماده می‌کنند.

کارگران شاغل در صنعت پتروشیمی هم اکنون در شرایط سخت و بسیار حادی به‌سر می‌برند. صنعت پتروشیمی در جریان جنگ به‌ویژه جنگ ۴۰ روزه مانند صنعت فولاد آسیب‌های جدی دید. بمباران‌ها و حملات موشکی به زیرساخت‌ها، افزون بر اثرات عمیق تخریبی، تعطیلی ده‌ها پتروشیمی را رقم زد. حملات هوایی و تخریب شرکت فجر انرژی (فجر ۱) در منطقه ماهشهر و مبین انرژی (فجر ۲) در استان بوشهر که نیازهای حیاتی پتروشیمی‌ها را تولید و تأمین

می‌کردند، تعطیلی دست کم ۴۵ پتروشیمی و بیکاری ده‌ها هزار کارگر را در پی داشت. برخی از این پتروشیمی‌ها مانند پتروشیمی رازی با ۴ هزار کارگر بعد از مدتی توانسته‌اند با انجام پاره‌ای تعمیرات و اقدامات فنی لازم، دوباره وارد مدار تولید شوند. گرچه هنوز به‌طور دقیق مشخص نیست با چه درصدی از ظرفیت اسمی خود، کار را از سر گرفته‌اند. طبق سخنان محمد رضا شیرینی "تحلیل‌گر صنعت گاز و پتروشیمی" در گفتگو با دنیای اقتصاد، برخی از پتروشیمی‌های منطقه ماهشهر و زیرساخت‌های مرتبط هنوز به ظرفیت کامل بازنگشته‌اند. به گفته وی انتظار می‌رود فرایند بازگشت کامل تولید زمان‌بر باشد. برآورد‌ها نیز به گفته وی، نشان می‌دهد بخشی از ظرفیت‌ها طی سه ماه آینده به مدار بازگردند، اما تکمیل فرایند احیای تولید و رفع کامل محدودیت‌ها ممکن است بین یک تا دو سال نیاز داشته باشد!

نیازی به توضیح نیست که از ناحیه تخریب یا تعطیل پتروشیمی‌ها آسیب‌های جدی به کارگران شاغل در این صنعت وارد شده و زندگی برخی از کارگران و خانواده‌ها را نیز در معرض تباهی قرار داده است. صرف نظر از آینده شغلی مبهم هزاران کارگر پتروشیمی‌های تخریب شده یا آسیب‌دیده‌ای که هنوز به مدار تولید باز نگشته‌اند، در آن گروه از پتروشیمی‌های ترمیم یافته که با تعمیر و اقدامات فنی، گرچه نه در اندازه قبل از جنگ، اما بخشاً و تا حدی توانسته‌اند به مدار تولید بازگردند، حقوق و معیشت کارگران به شدت مورد تعرض سرمایه‌داران قرار گرفته است. در اغلب این پتروشیمی‌ها کارفرمایان از تجدید قرارداد کار گروه‌هایی از کارگران به‌ویژه کارگران قدیمی با سابقه مبارزاتی سر باز زده و وسیعاً به اخراج کارگران دست زده‌اند. کارفرمایان با استفاده از شرایط جنگی، در مواردی حتی منتظر پایان مهلت قرارداد کارگر نمانده و قبل از اتمام مهلت

در صفحه ۷



پتروشیمی در مسیر بازگشت تاریخی

پیام کمیته‌ی خارج کشور حزب کمونیست ایران درباره‌ی درگذشت رفیق "فریدون اختیاری"

به‌درود رفیق "فریدون اختیاری" !

رفیق "فریدون اختیاری"، یکی از مبارزان کمونیست در دو نظام سرمایه‌داری ستم‌شاهی و جمهوری اسلامی، در استکهلم سوئد در روز ۲۹ مه ۲۰۲۶ درگذشت. او از زندانیان سیاسی در دوره‌ی حکومت سلطنتی پهلوی بود که در جریان فعالیت سیاسی و ارتباط با سازمان چریک‌های فدائی خلق، متحمل حبس گردید و پس از انقلاب بهمن و در جریان انشعاب در سازمان فدائیان، به سازمان فدائیان اقلیت پیوست و مبارزات خود را در میان معلمان ادامه داد و در نهایت با تبعید به خارج کشور، از پانزده سالگی و تا لحظه‌ی مرگ در سن ۸۱ سالگی و با وجود بیماری، همچنان به فعالیت سوسیالیستی خود در دو تشکیلات سازمان فدائیان اقلیت و شورای استکهلم ادامه داد. او همچنین در آکسیون‌های شورای نیروهای چپ و کمونیست همواره حضوری فعال داشت.

بدین وسیله ما به خانواده، رفقا و هم‌زمان او تسلیت می‌گوییم !

یاد و خاطره‌ی همه‌ی رفقای راه آزادی و سوسیالیسم گرامی باد ! کمیته‌ی خارج کشور حزب کمونیست ایران

۱ ژوئن ۲۰۲۶

قرارداد کارگر، آن را به طور یک جانبه لغو و کارگر را اخراج کرده‌اند حتی بدون آنکه طلب کارگر از ناحیه حقوق و مزایای عقب افتاده به کارگر پرداخت شود.

یورش سرمایه علیه نیروی کار شاغل در صنعت پتروشیمی، به اخراج کارگران باسابقه و قدیمی این واحد ها خلاصه نمی‌شود. کسر حقوق ماهانه، عدم پرداخت مزایای رفاهی، حذف اضافه کاری، تأخیر در پرداخت حقوق ماهانه، پرداخت ناقص حقوق برپایه دستمزد سال گذشته و امثال آن، عرصه دیگری از یورش سرمایه داران علیه کارگران، سطح معیشت و حقوق آنان در دوره جنگ و پسا جنگ بوده که هنوز هم ادامه دارد.

گرچه موج اخراج و تهاجم سرمایه کارگران رسمی را نیز بی نصیب نگذاشته است اما کارگران پیمانی، پروژه‌ای و قرارداد موقت در صف مقدم اخراج و بیکارسازی و تعرض سرمایه قرار دارند. پیمان‌کاران بی‌هیچ ترس و ملاحظه‌ای، هم از دستمزد و مزایای کارگر می‌دزدند و هم به راحتی کارگر را اخراج می‌کنند. به‌رغم آن که کار در پتروشیمی و پست های حساس آن مستلزم تخصص و مهارت‌های بالاست، اما نیروی کار در صنعت پتروشیمی بعد از جنگ ۴۰ روزه به شدت دچار بی‌ثباتی شده است. از این رو به ویژه در مقطع فعلی ایستادگی و مقابله در برابر موج اخراج‌ها، اعتراض متشکل علیه اخراج و مبارزه برای بازگشت به کار، به یک امر فوری در صنعت پتروشیمی- و سایر صنایع- تبدیل شده است.

در اینجا لازم است به این نکته نیز اشاره شود که بعد از صنعت نفت و گاز، صنعت پتروشیمی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. نه فقط از این جهت که تولیدات آن نقش مهمی در صادرات و درآمدهای دولتی و تأمین ارز دارد، بلکه همچنین از این بابت که توقف تولید در این صنعت، اولاً به همان دلیل قطع یکی از منابع مهم درآمد و ارز، بلکه از این جنبه که تأثیرات مستقیم و بیواسطه‌ای بر صنایع پایین دستی خود دارد نیز بسیار مهم است. تخریب و اختلال ناشی از جنگ در پتروشیمی‌ها، تولید مواد پایه‌ای پلیمری را یا به‌کلی متوقف کرد و یا آسیب‌های جدی به آن وارد ساخت. این موضوع قبل از همه صنعت پلاستیک را که مستقیماً به تولید مستمر مواد اولیه توسط پتروشیمی‌ها وابسته است مانند پلی اتیلن، پلی پروپیلن و مانند آن را تحت تأثیر قرار داد و هزاران واحد تولیدی در این رشته را با مشکلات روبرو ساخت. بنابراین اعتراض و اعتصاب و توقف تولید در این صنعت علاوه بر ضربه زدن بر منابع درآمدی و ارزی دولت، می‌تواند به صنایع پایین دستی مصرف کننده مواد اولیه‌ای که در پتروشیمی تولید می‌شود نیز تعمیم و گسترش یابد.

مهم‌ترین مسأله کارگران شاغل صنایع پتروشیمی در لحظه حاضر، ایستادگی در مقابل موج اخراج، مقابله با آن و دفاع از کارگران اخراجی

است. اعتراض متشکل نسبت به اخراج‌ها و برای بازگشت به کار کارگران اخراجی ازوظایف مهمی است که شرایط تحمیلی، آن را در دستور کار مبارزاتی کارگران پتروشیمی قرار داده است. کارگران اخراجی بی‌هیچ اما و آگری باید به سر کارهای خود بازگردند. جنگ را طبقه کارگر و زحمتکشان به راه نینداخته‌اند. جنگ را طبقه سرمایه‌دار حاکم و دولت این طبقه به‌راه انداخته اند و اکنون باید پاسخگوی تمام عواقب و پیامدهای آن باشند. تا بازسازی و ترمیم کامل واحدهای تخریب شده و آسیب دیده از جنگ، دولت موظف است با ایجاد شغلی هم‌ردیف با موقعیت و شغل پیشین کارگر اخراجی، مزد و مزایای دریافتی در دوره دایر بودن واحد و قبل از بیکارشدن را به کارگر بپردازد. در غیر این‌صورت باید بیمه بیکاری به کارگران بیکار شده اعم از اینکه قبلاً بیمه بوده یا نبوده‌اند پرداخت شود. مبلغ پرداختی باید به اندازه‌ای باشد که با آن بتوان هزینه‌های یک خانوار ۴ نفره کارگری را تأمین کرد.

کارگران اخراجی و بیکار شده نیز می‌توانند با حضور فعال و مداوم در محل کار، به کارفرمایان و مدیران و دولت حامی آن‌ها یادآوری کنند که هرچه زودتر باید سازوکار بازگشت به کارشان را فراهم سازند. کارگران بیکار شده و اخراجی با فعالیت‌های تا حد ممکن متشکل و جمعی، می‌توانند حمایت و همبستگی کارگران شاغل را جلب کنند. کارگران شاغل نیز نمی‌توانند و نباید نسبت به رفقای کارگر بیکار شده و اخراجی خود بی‌تفاوت باشند. استمرار

مبارزه علیه اخراج و برای بازگشت به کار در شرایط کنونی حائز اهمیت جدی است. با برپایی تجمعات اعتراضی متشکل مقابل اداره کار، دادگستری، فرمانداری، استانداری، دفتر ریاست جمهوری و دیگر نهادهای دولتی مرتبط، همچنین تجمعات اعتراضی روتین تا حد ممکن همبسته چند واحد مقابل شعب شرکت های مربوطه نیز می‌تواند با اخراج‌ها مقابله کرد و ضرورت بازگشت به کار کارگران اخراجی را یادآورشد. نباید گذاشت موضوع اخراج‌ها و بیکارسازی‌ها به امری پذیرفته شده تبدیل و بازگشت به کار فوری و بی قید و شرط کارگران اخراجی و بیکار شده به دست فراموشی سپرده شود. کارگران پتروشیمی و کل طبقه کارگر ایران مادام‌که تکلیف نظام مزدی را یکسره نساخته‌اند، نمی‌توانند از مبارزه با عوارض آن برکنار بمانند.

کارگران صنعت پتروشیمی در شرایط حاضر با تجمعات اعتراضی متشکل و گذار به اعتصابات یکپارچه و همبسته در چند واحد است که جایگاه پیشین خود در دهه نود را بدست خواهند آورد. در آن دهه کارگران مبارز پتروشیمی چندین اعتصاب فراواحدهی، رشته‌ای و سراسری را سازمان دادند که نه فقط تمام پتروشیمی‌های منطقه ماهشهر و عسلویه بلکه پتروشیمی‌های مهم دیگری مانند پتروشیمی اراک، اصفهان و تبریز نیز در آن حضور فعال داشتند. این افق مبارزاتی و بازگشت تاریخی به هیچ‌وجه نه فقط غیر ممکن نیست، بل بس ضروری و دست یافتنی‌ست.

جنگ و مذاکره؛ دو روی یک بن‌بست واحد

نیرومندترین قدرت نظامی جهان در تبدیل موفقیت‌های نظامی به نتایج سیاسی پایدار با دشواری‌های جدی روبه‌رو است.

ادامه بحران برای خود آمریکا نیز بدون هزینه نیست. اختلال در انتقال انرژی، افزایش بهای نفت، فشارهای تورمی و بی‌ثباتی بازارهای جهانی می‌تواند پیامدهایی فراتر از خاورمیانه ایجاد کند. افزون بر این، دولت ترامپ هم‌زمان با رقابت فزاینده با چین روبه‌رو است و تمایل ندارد بخش بزرگی از منابع سیاسی، اقتصادی و نظامی خود را در یک جنگ طولانی در منطقه مصرف کند.

در داخل آمریکا نیز اگرچه درباره ضرورت مهار جمهوری اسلامی اجماع گسترده‌ای وجود دارد، اما درباره شیوه و دامنه این رویارویی اتفاق‌نظر کامل دیده نمی‌شود. بخشی از محافل سیاسی و امنیتی بر افزایش فشار تأکید دارند، در حالی که بخش دیگری نسبت به گرفتار شدن در یک جنگ فرسایشی جدید در خاورمیانه هشدار می‌دهند. همین اختلاف ارزیابی‌ها موجب شده است که در کنار فشارهای نظامی و اقتصادی، مسیر مذاکرات نیز باز بماند.

از همین زاویه می‌توان رویکرد کنونی آمریکا در مذاکرات را فهمید. هرچند برنامه موشکی ایران، نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی و نقش نیروهای همسو با آن از نگرانی‌های اصلی آمریکا و متحدانش به‌شمار می‌روند، اما به نظر می‌رسد دولت ترامپ در شرایط کنونی دستیابی به توافقی محدود و قابل‌تحقق را در اولویت قرار داده است. نشانه‌هایی وجود دارد که آمریکا دست‌کم در کوتاه‌مدت مهار بحران هسته‌ای و کاهش تنش‌های جاری را بر حل هم‌زمان همه اختلافات مقدم دانسته و برخی مطالبات دیگر را به مراحل بعدی موکول کرده است.

این تغییر به معنای کنار گذاشتن اهداف پیشین آمریکا نیست، بلکه بازتاب این واقعیت است که پس از ماه‌ها درگیری، دستیابی به اهداف حداکثری در کوتاه‌مدت امکان‌پذیر به نظر نمی‌رسد. از همین رو، سیاست کنونی واشنگتن ترکیبی از فشار و مذاکره است؛ تلاشی برای حفظ اهرم‌های فشار از یک سو و جلوگیری از گسترش بحرانی که می‌تواند هزینه‌های بیشتری بر آمریکا و متحدانش تحمیل کند از سوی دیگر.

جمهوری اسلامی؛ مقاومت در سایه بحران‌های انباشته

در سوی دیگر، جمهوری اسلامی نیز با تنگناهای جدی روبه‌روست. حکومت می‌کوشد نشان دهد که در برابر فشارهای نظامی مقاومت کرده و هزینه‌هایی به طرف مقابل تحمیل کرده است، اما ادامه بحران برای آن نیز بدون هزینه نیست.

اقتصاد ایران پیش از جنگ نیز با تورم، رکود سرمایه‌گذاری، کاهش ارزش پول ملی و بحران معیشتی روبه‌رو بود و جنگ این مشکلات را تشدید کرده است. کاهش درآمدهای ارزی، اختلال در تجارت، افزایش هزینه‌های نظامی و ناطمینانی اقتصادی فشار بیشتری بر اقتصاد

کشور وارد می‌کنند. در کنار این عوامل، افزایش فقر، کاهش قدرت خرید، گسترش مهاجرت، ناامنی اقتصادی و فرسایش روانی جامعه از مهم‌ترین پیامدهای اجتماعی وضعیت کنونی به‌شمار می‌روند.

این مشکلات صرفاً محصول جنگ یا تحریم نیستند، بلکه با بحران‌های ساختاری اقتصاد ایران و سیاست‌های اقتصادی چند دهه گذشته نیز پیوند خورده‌اند. جنگ تنها بر شدت تضادهایی افزوده است که پیش از آغاز درگیری وجود داشتند.

با وجود این فشارها، جمهوری اسلامی آمادگی پذیرش هر توافقی را ندارد. حفظ توان غنی‌سازی در خاک ایران، برنامه موشکی و نفوذ منطقه‌ای از خطوط قرمز اصلی حکومت به‌شمار می‌روند. حاکمیت این مؤلفه‌ها را بخشی از سازوکار بازدارندگی و ابزارهای اصلی حفظ موقعیت خود می‌داند و از همین رو حاضر نیست به آسانی از آن‌ها چشم‌پوشد.

مذاکرات؛ محصول بن‌بست، نه رفع اختلافات

با وجود ادامه درگیری‌ها، کانال‌های مذاکره میان جمهوری اسلامی و دولت آمریکا همچنان باز مانده‌اند. در نگاه نخست، ادامه هم‌زمان جنگ و مذاکره متناقض به نظر می‌رسد، اما این دو روند از یک وضعیت مشترک سرچشمه می‌گیرند. نه آمریکا توانسته است جمهوری اسلامی را به پذیرش همه خواسته‌های خود وادار کند و نه جمهوری اسلامی موفق شده است طرف مقابل را به عقب‌نشینی وادارد. در نتیجه، رویارویی ادامه دارد و تلاش برای مهار آن نیز متوقف نشده است. جنگ و مذاکره دو روند متضاد نیستند، بلکه دو روی یک بن‌بست واحدند.

در چنین شرایطی، هر دو طرف می‌کوشند بدون چشم‌پوشی از اهداف و خطوط قرمز اصلی خود، از گسترش بحران و ورود به مرحله‌ای پرهزینه‌تر جلوگیری کنند. به همین دلیل، گفت‌وگوها بیش از آنکه بر حل همه اختلافات متمرکز باشند، بر کنترل بحران و جلوگیری از تشدید رویارویی متمرکز یافته‌اند.

از این رو، مذاکرات کنونی را نباید نشانه نزدیک شدن مواضع دو طرف دانست. اختلاف‌ها بر سر برنامه هسته‌ای، توان موشکی، تحریم‌ها، نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی و امنیت مسیره‌های کشتیرانی پابرجاست. آنچه مذاکرات را زنده نگه داشته، نه رفع این اختلافات، بلکه ناتوانی هر یک از طرفین در تحمیل کامل اراده خود به دیگری است.

اسرائیل؛ جلوگیری از تغییر موازنه قوا

اسرائیل صرفاً متحد آمریکا نیست، بلکه اهداف و محاسبات خاص خود را دنبال می‌کند. اگر بخشی از محافل حاکم در آمریکا امروز بیش از هر چیز بر مهار بحران و جلوگیری از گسترش جنگ متمرکز کرده‌اند، رهبران اسرائیل مسئله را از زاویه‌ای متفاوت می‌بینند. از نگاه آنان، مسئله فقط برنامه هسته‌ای ایران

نیست، بلکه مجموعه‌ای از توان هسته‌ای، موشکی و شبکه نیروهای همسو با جمهوری اسلامی در منطقه است که توازن موجود را به چالش می‌کشد. به همین دلیل، حتی در شرایطی که مذاکرات میان تهران و واشنگتن ادامه دارد، درگیری‌های پراکنده میان اسرائیل و نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی در لبنان، سوریه و دیگر نقاط منطقه متوقف نشده است.

در عین حال، برخلاف آمریکا که درباره میزان و شیوه رویارویی با جمهوری اسلامی، اختلاف‌نظرهایی در میان بخش‌های مختلف حاکمیت و سران سیاسی دیده می‌شود، در اسرائیل اجماع گسترده‌تری درباره تهدیدات جمهوری اسلامی وجود دارد. اختلاف‌ها بیشتر بر سر روش‌ها و زمان‌بندی اقدامات است، نه بر سر اصل مقابله با جمهوری اسلامی. افزایش نفوذ جریان‌های راست و راست افراطی در سیاست اسرائیل طی سال‌های اخیر نیز به تقویت این رویکرد انجامیده و نگاه امنیتی به مسئله ایران را بیش از پیش در مرکز سیاست رسمی کشور قرار داده است.

با این همه، اسرائیل نیز در پیشبرد اهداف خود با موانع مهمی روبه‌روست. وابستگی امنیتی به حمایت آمریکا، هزینه‌های اقتصادی جنگ و خطر گسترش درگیری به چند جبهه، دامنه مانور آن را محدود می‌کند. از این رو، کابینه نتانیاهو نیز ناگزیر است اهداف خود را در چارچوب توازن نیروهای موجود دنبال کند.

چشم‌انداز

مجموعه این عوامل نشان می‌دهد که بحران کنونی نه به سمت پیروزی قاطع یکی از طرف‌ها، بلکه به سوی وضعیتی حرکت کرده است که در آن هیچ‌یک از بازیگران قادر به تحمیل کامل اراده خود بر دیگری نیست. مسئله اصلی دیگر توان ادامه رویارویی نیست، بلکه ظرفیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هر طرف برای تحمل هزینه‌های آن است.

در چنین شرایطی، چند مسیر متفاوت می‌تواند در برابر بحران کنونی قرار گیرد. یکی از آن‌ها دستیابی به توافقی محدود برای مهار تنش‌هاست؛ توافقی که احتمالاً بخشی از اختلافات را مدیریت می‌کند، اما قادر به حل آن‌ها نخواهد بود. سناریوی دیگر، تداوم وضعیت کنونی است؛ وضعیتی که در آن نه جنگ به رویارویی تمام‌عیار تبدیل می‌شود و نه مذاکرات به توافقی تعیین‌کننده می‌انجامد. در این حالت، منطقه ممکن است برای مدتی طولانی با نوعی بحران مزمن و کنترل‌شده روبه‌رو بماند.

سناریوی دیگری نیز وجود دارد: تشدید کنترل‌نشده بحران در پی یک اشتباه محاسباتی، گسترش درگیری‌های منطقه‌ای یا اقداماتی که از کنترل بازیگران خارج شود. با این حال، شواهد موجود نشان می‌دهد که این سناریو در شرایط کنونی محتمل‌ترین گزینه نیست. هزینه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی یک جنگ گسترده‌تر برای آمریکا، جمهوری اسلامی و اسرائیل به اندازه‌ای سنگین است که هیچ‌یک از آن‌ها در حال حاضر خواهان چنین مسیری نیستند، هرچند امکان وقوع آن را نمی‌توان به طور کامل منتفی

از صفحه ۸

جنگ و مذاکره؛ دو روی یک بن‌بست واحد

دانست.

در عین حال، سرنوشت بحران تنها به میدان نبرد یا میز مذاکره وابسته نیست. تشدید بحران اقتصادی و نارضایتی‌های اجتماعی در ایران، تغییر توازن نیروهای سیاسی در آمریکا یا تحولات داخلی در اسرائیل نیز می‌توانند محاسبات بازیگران را دگرگون کنند و مسیر تحولات را به سمت‌های پیش‌بینی‌نشده سوق دهند. با این همه، حتی اگر توافقی حاصل شود، وضعیت کنونی ادامه یابد یا شکل رویارویی تغییر کند، تضادهای بنیادی بر سر نفوذ منطقه‌ای، کنترل مسیرهای انرژی، جایگاه قدرت‌های بزرگ امپریالیستی و موازنه قوا در منطقه از میان نخواهند رفت. در پس این رویارویی‌ها، تضادهای اجتماعی و اقتصادی حل‌نشده نیز پابرجا هستند. مادامی که فقر، نابرابری، بحران معیشت و محدودیت‌های سیاسی ادامه داشته باشند، نه جنگ و نه توافق به خودی خود نمی‌توانند چشم‌اندازی پایدار برای اکثریت مردم ایجاد کنند.

نیز رسید، اما پس از آغاز تحقیقات نهادهای مبارزه با فساد درباره جعل اسناد و تخلفات اداری، آن پروژه متوقف گردید. مقصد بعدی سرمایه‌گذاری ایوانکا ترامپ و همسرش، آلبانی بود.

آلبانی پس از عضویت در ناتو در سال ۲۰۰۹، نهنها به پایگاهی برای آموزش نظامی نیروهای این ائتلاف نظامی تبدیل شد، بلکه در سال‌های اخیر تلاش گسترده‌ای برای جذب سرمایه‌های خارجی، به‌ویژه سرمایه‌های آمریکایی، داشته است. دولت کنونی که ۴ دوره پیاپی در قدرت است، این سیاست را به‌عنوان بخشی از استراتژی توسعه اقتصادی دنبال کرده و به بهانه ایجاد اشتغال با زد و بند و رانت خواری زمینه سرمایه‌گذارهای مشابه را فراهم کرده است. در عین حال، این کشور رؤیای پیوستن به اتحادیه اروپا را دنبال می‌کند. این پروسه حداقل در ظاهر امر مشروط به انجام اصلاحات گسترده در حوزه شفافیت، مبارزه با فساد، استقلال قضایی و حفاظت از محیط زیست است.

همین شروط اتحادیه اروپا به یکی از محورهای اصلی اختلافات سیاسی درون حاکمیت آلبانی تبدیل شده است. بخشی از جناح‌های سیاسی با استناد به همین معیارها، در برابر سیاست‌های جناح دیگر قرار گرفته‌اند و خواهان توقف پروژه‌های پرحاشیه و بررسی دقیق قراردادهای سرمایه‌گذاری هستند.

برغم اختلافات درونی جناح‌های حاکم، این توده‌های مردم آلبانی، جنبش‌های اجتماعی و گروه‌های مترقی‌اند که قادرند با حضور گسترده و فعال خود، علیه سیاست‌های غارتگرانه و رانت خواری و فساد برخیزند و آینده‌ای عاری از چپاول و غارتگری و تخریب و نابودی محیط زیست رقم بزنند.

فریاد توده‌های مردم در آلبانی: کشور برای فروش نیست!

مجاور نیز رسیده است. روز شنبه ۶ ژوئن هزاران تن در میلان - ایتالیا نیز به اعتراض برخاستند.

در مرکز این خیزش توده‌ای در آلبانی، مخالفت با احداث یک شهرک توریستی در جزیره «سازان» قرار دارد، جزیره‌ای غیرمسکونی و حفاظت‌شده ۱۴۰۰ هکتاری. این پروژه با سرمایه میلیارد دلاری ایوانکا ترامپ و همسرش «جرد کوشنر» و توافق با نخست‌وزیر آلبانی به راه افتاده است.

اعتراضات به این پروژه ابتدا با فراخوان گروه‌های طرفدار محیط زیست آغاز شد، اما به‌تدریج گروه‌های مبارزه با فساد و رشوخوااری نیز به آن پیوستند. اتحادیه‌های کارگری نیز، هرچند در این کشور ضعیف‌اند، تا حدودی به این اعتراضات ملحق شده‌اند. معترضان خواهان توقف کامل پروژه، برکناری نخست‌وزیر حاکم «ادی رامای»، و تحقیق و شفافیت درباره روند تصمیم‌گیری و مفاد قراردادها هستند. از جمله شعارهای تظاهرات‌کنندگان می‌توان به این موارد اشاره کرد: «ایوانکا برو گمشو»، «آلبانی فروشی نیست»، «کشور و محیط زیستی را که با خون خود حفاظت کردیم، با دلار تاخت نمی‌زنیم» و «برکناری فوری نخست‌وزیر». در همین حال، مخالفت با این پروژه شکاف‌هایی در میان برخی مقامات و ارگان‌های دولتی و نیمه‌دولتی ایجاد کرده است.

این پروژه لوکس قرار است در یکی از حساس‌ترین نقاط جغرافیایی سواحل ۴۵۰ کیلومتری آلبانی احداث شود، منطقه‌ای بکر، غیرمسکونی و حفاظت‌شده که در مجاورت مسیرهای رفت‌وآمد کشتی‌ها در دریای آدریاتیک قرار دارد. این جزیره همچنین پیشینه نظامی دارد و در دوران انور خوجه، به‌عنوان پایگاه نظامی مورد استفاده قرار گرفته و هنوز نشانه‌هایی از زیرساخت‌های قدیمی، از جمله تونل‌ها و فضاهای زیرزمینی، در آن باقی مانده است. این ویژگی‌ها به آن اهمیت ژئوپولیتیک و امنیتی نیز داده است.

از نظر زیست‌محیطی، این منطقه یکی از زیستگاه‌های حساس ساحلی آلبانی و اروپا محسوب می‌شود و محل زندگی گونه‌های متنوع پرندگان مهاجر از جمله فلامینگوها و بیش از ۲۰۰ گونه پرنده دیگر است. به همین دلیل، سال‌هاست تحت عنوان منطقه حفاظت‌شده قرار دارد. با این حال، بر اساس اطلاعات منتشرشده در رسانه‌های بین‌المللی از جمله رویترز و آسوشیندپرس، برای تسهیل اجرای این پروژه، قوانین مربوط به حفاظت محیط زیست دستخوش تغییر شده‌اند تا موانع حقوقی و اداری در مسیر سرمایه‌گذاری برداشته شود.

طرح مورد نظر شامل توسعه یک مجموعه ساحلی در منطقه تالاب و همچنین احداث اقامتگاه تفریحی در جزیره غیرمسکونی «سازان» است. این پروژه در مجموع شامل حدود ۱۰ هزار اتاق هتل و اقامتگاه لوکس بوده و در قالب یک پروژه چند میلیارد دلاری تعریف شده است که در

مرحله نخست، حدود ۱/۴ میلیارد دلار برای زیرساخت‌ها و مجموعه‌های تفریحی آن اختصاص یافته است. این ابعاد عظیم، آن را به یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های گردشگری در تاریخ آلبانی تبدیل می‌کند. اما آغاز پروژه با اعتراضات فوری رویرو شد. ورود ناگهانی یک نیروی نظامی و مسلح خصوصی و اجیر شده توسط بخش خصوصی به جزیره و آغاز عملیات تسطیح زمین با استفاده از ماشین‌آلات سنگین و بولدوزرها خشم عمومی را برانگیخت. اقدامی که بدون هرگونه اطلاع‌رسانی عمومی انجام شد و به‌عنوان جرقه اولیه اعتراضات در تیرانا و دیگر شهرها عمل کرد. هم‌زمان، اظهارات ایوانکا ترامپ درباره اینکه در سفر تفریحی با قایق این جزیره توجه او را جلب کرده و از زیبایی آن مسحور شده، موجب خشم بیشتر توده‌های مردم شد.

مسئله فقدان شفافیت به یکی دیگر از محورهای اصلی اعتراضات تبدیل شد. علاوه بر مردم معترض، برخی سازمان‌های نظارتی و نهادهای مسئول حفاظت از محیط زیست اعلام کرده‌اند که از جزئیات توافقات اولیه و آغاز رسمی پروژه بی‌اطلاع بوده‌اند و آن را نشانه‌ای از فساد ساختاری و تصمیم‌گیری پشت‌پرده دانسته و خواستار پیگیری قضایی، تحقیق درباره رشوخوااری و انتشار کامل قراردادها شده‌اند. به‌تدریج، این مطالبه از یک اعتراض زیست‌محیطی صرف فراتر رفته و به یک اعتراض سیاسی علیه حکومت تبدیل شده است. از نظر سیاسی و در روابط پشت‌پرده، ریشه این پروژه به دیدارهایی بازمی‌گردد که حدود دو سال پیش میان دختر و داماد دونالد ترامپ و نخست‌وزیر آلبانی در جریان سفر به سواحل این جزیره انجام شد. در آن دیدار، موضوع سرمایه‌گذاری در این منطقه حفاظت‌شده مطرح شده است. منطقه‌ای که علاوه بر ارزش طبیعی، از نظر موقعیت جغرافیایی و نزدیکی به مسیرهای کشتیرانی دریای آدریاتیک نیز اهمیت استراتژیک دارد. پس از این دیدارها نوعی توافق سیاسی و تضمین اجرایی از سوی دولت برای پیشبرد پروژه به شرکت وابسته به کوشنر ارائه شده است، بدون آن‌که روند کامل و شفاف قانونی و نظارتی طی شود.

در اوایل سال جاری، ۴۰ سازمان فعال محیط زیست در آلبانی زنگ خطر را به صدا درآوردند و از وجود توافقات محرمانه پرده برداشتند. در بیانیه‌ای که در ژانویه ۲۰۲۶ منتشر شد، این سازمان‌ها هشدار دادند که اجرای این پروژه نهنها موجب نابودی مناطق حفاظت‌شده طبیعی می‌شود، بلکه الگوی توسعه‌ای خطرناک را در کشور تثبیت می‌کند، الگویی که آلبانی را به «دوبی دوم» تبدیل می‌کند، جایی که پروژه‌های لوکس بدون توجه به پیامدهای زیست‌محیطی قارچ‌گونه گسترش می‌یابند. در همان گزارش‌ها همچنین اشاره شده که پروژه مشابهی پیش‌تر از سوی همین تیم سرمایه‌گذاری در صربستان مطرح شده بود به تصویب پارلمان این کشور

جنگ و مذاکره؛ دو روی یک بن‌بست واحد

این بحران دیگر صرفاً نزاعی میان جمهوری اسلامی، آمریکا و اسرائیل نیست. اختلال در تردد کشتی‌ها در تنگه هرمز، یکی از مهم‌ترین مسیرهای انتقال انرژی جهان، آن را به بحرانی با پیامدهای بین‌المللی تبدیل کرده است. افزایش بهای انرژی، فشار بر زنجیره‌های تأمین و نگرانی از گسترش جنگ، پای قدرت‌های دیگر را نیز به میان کشیده است. چین به دلیل وابستگی اقتصاد خود به تجارت جهانی و مسیرهای دریایی، خواهان ثبات در منطقه است و روسیه نیز با وجود بهرمندی از افزایش بهای انرژی، تمایلی به گسترش بحرانی ندارد که بتواند تعادل‌های موجود را بر هم زند.

در این میان، همان‌گونه که در جنگ‌ها و بحران‌های معاصر دیده شده است، هزینه‌های اصلی نه بر دوش دولت‌ها، بلکه بر دوش مردم عادی قرار می‌گیرد. افزایش تورم، گرانی انرژی، ناامنی اقتصادی و کاهش سطح زندگی، بیش از همه کارگران، مزدبگیران و اقشار فرودست را تحت فشار قرار می‌دهد؛ کسانی که نه در تصمیم‌گیری درباره جنگ نقشی دارند و نه در تعیین مسیر مذاکرات. در حالی که دولت‌ها بر سر برنامه‌های نظامی، تحریم‌ها، امنیت منطقه و

موازنه قدرت چانه‌زنی می‌کنند، مطالبات اکثریت مردم - از معیشت و اشتغال تا آزادی‌های سیاسی و اجتماعی - بیرون از دستور کار این منازعات باقی می‌ماند.

آمریکا؛ میان فشار نظامی و ضرورت مهار بحران

آمریکا همچنان از نظر نظامی قدرتمندترین بازیگر این منازعه است. توانایی ضربه زدن به زیرساخت‌های نظامی ایران، حضور گسترده در آب‌های منطقه و برتری تکنولوژیک آن تردیدی باقی نمی‌گذارد که آمریکا در عرصه نظامی دست بالا را دارد. با این حال، تجربه دهه‌های گذشته نشان داده است که برتری نظامی لزوماً به معنای دستیابی به اهداف سیاسی نیست.

آمریکا توان وارد کردن ضربات سنگین نظامی را دارد، اما تضمینی وجود ندارد که بتواند جمهوری اسلامی را به پذیرش همه خواسته‌های خود وادار کند یا تمامی ظرفیت‌های واکنش متقابل آن را از میان ببرد. تجربه عراق و افغانستان نیز نشان داده است که حتی

۸ رصفحه

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

[kar.fadaianaghaliyat](https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat)

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 1172 June 2026



تلویزیون دمکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسانهای زحمتکش و ستم دیده ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می کنند

بینندگان تلویزیون دمکراسی شورایی، رفقا و همراهان گرامی

بدین‌وسیله به اطلاع شما می‌رسانیم ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی از ماهواره آلترناتیو شورایی از تاریخ جمعه اول فروردین ۱۴۰۴ تغییر خواهد کرد. ساعات جدید پخش برنامه‌های ما از اول فروردین بدین قرار است:

تلویزیون دمکراسی شورایی برنامه‌های روزانه خود را به مدت ۹۰ دقیقه در روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت نه و نیم تا یازده شب به‌وقت ایران پخش می‌کند و تکرار این برنامه‌ها در روزهای سه‌شنبه، پنج‌شنبه، شنبه خواهد بود. تکرار برنامه‌ها از ساعت نه و نیم تا یازده صبح، سه و نیم تا پنج عصر و یازده تا دوازده و نیم شب به‌وقت ایران است. روز یکشنبه نیز برنامه ما به مدت یک ساعت از ساعت ده و نیم شب تا یازده و نیم خواهد بود. در روز دوشنبه سه بار نیز برنامه یکشنبه با پخش می‌شود. برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی روی شبکه تلویزیون آلترناتیو شورایی از ماهواره "پاه ست" [Yahsat] پخش می‌شود.

برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی را همچنین می‌توانید از سایت سازمان فدائیان (اقلیت)، شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک، تلگرام، اینستاگرام، یوتیوب سازمان فدائیان (اقلیت) و تلویزیون دمکراسی شورایی نیز دنبال کنید.

آدرس تلویزیون دمکراسی شورایی در شبکه‌های اجتماعی:

یوتیوب: tvshora1349، اینستاگرام: tv_shora، فیس‌بوک: tvshora، تلگرام: tvshora

شماره واتس‌آپ برای پیام‌های صوتی و نوشتاری

۰۰۳۱-۶۴۴۶۶۴۴۰۵ (0031644664405)

آدرس تماس ای میل: tvshorashora@gmail.com

سایت تلویزیون: www.Tvshora.com

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی

Alternative Shorai

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی